

روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

ویژه استادان

دانشجویان
درباره استادان
چه می‌گویند؟



دانشگاه باید دانشگاه باشد

بررسی مسیر آینده آموزش عالی کشور در شریف

روزهای عجیب امروز، روزهای عادی آینده

سومین شریف زیبای من چگونه گذشت؟

خیالت راحت مادر

دانشگاه چگونه صاحب مهدکودک شد؟

۳

۴

۵

همه را از تو می‌آموزم

سرمقاله



زینب محبی

● اواخر کارشناسی هستم و در این مدت پروژه‌های زیادی را با نرم‌افزاری ویژه انجام داده‌ام و زیر و بم آن را یاد گرفته‌ام. تعدادی از استادان از من می‌خواهند برایشان کلاسی بگذارم و نرم‌افزار را به آنها یاد بدهم؛ چقدر این روحیه‌شان را دوست دارم، با این سن و سال هنوز در پی یاد گرفتن هستند و برایشان فرقی نمی‌کند از چه کسی بیاموزند.

● روز دفاع پایان‌نامه کارشناسی، ساعت ۴:۳۰ صبح، تلفن همراهم زنگ می‌زند. یکی از استادان دانشکده است، استاد راهنمایم نیست، استادی است اخلاق‌مند و مهربان.

- سلام آقای دکتر، صبحتون بخیر!

- سلام خانم مهندس، آماده‌ای؟

- مطمئن نیستم

- استرس نداشته باش، به خودت برس، به صبحانه خوب هم بخور؛ تو جلسه دفاع فقط به یه نکته حواست باشه: استاد راهنما و امتحن‌ها او مدن که تو بهشون نشون بدی بعد از ۴ سال هیچی بلد نیستی و هنوز باید شاگردی کنی تا چیزی یاد بگیری. اگر بتونی با رفتار این مسأله را نشون بدی مطمئن باش خوب تموم میشه.

مکالمه که تمام می‌شود، فقط به جمله آخرش فکر می‌کنم، عجب نکته‌ای را به من یادآوری کرد، با یک مدرک دانشگاهی خیال نکنم عالم دهر شده‌ام.

● چند ماهی است درگیر پروژه ارشد هستم، دریغ از کوچک‌ترین کمکی از طرف استاد راهنما. نرم‌افزاری را برای کارم پیشنهاد داده که حتی یک‌بار هم آن را باز نکرده‌ام. با حالت استیصال به سراغ چند نفر می‌روم و با آنها مشورت می‌کنم، به نتیجه‌ای می‌رسم و نتیجه را به استادم ارائه می‌دهم؛ لابلای صحبت‌هایم از دهانم می‌پرد و می‌گویم با چندین نفر مشورت کردم که به این نتیجه رسیدم... استادم عصبانی می‌شود، شروع می‌کند به داد و بیداد: یعنی من بعد از ۳۰ سال کار کردن نمی‌دانم ولی آنها می‌دانند... این چند سال جلوی چشمم می‌آید، استادانی که حاضر بودند حتی از یک دانشجوی کارشناسی بیاموزند، استادی که به من یاد داد مدرکم مرا دانشمند نکرده، استادانی که دم از تخصص‌گرایی زدند ولی سر کلاس راجع به همه چیز نظر کارشناسانه دادند جز درس و بی‌مطالعه در هر زمینه‌ای فکر می‌کردند در آن هم به درجه استادی نائل آمده‌اند، استادی که به جای آنکه به من بیاموزد جز درس به بقیه جنبه‌های زندگی هم بپردازم، پیشنهاد داد در تابستان منابع دروس ترم بعد را پیش مطالعه کنم، استادی که وقتی مسئولیتی پذیرفت خود را بی‌نیاز از آموزش در آن زمینه می‌دید و حالا استادی که چون باتجربه است فکر می‌کند ممکن نیست کسی بیشتر از او بلد باشد.

من دست‌پرونده جمعی از این استادان هستم و به این فکر می‌کنم قرار است به نسل بعدم چه یاد بدهم؟



مهارت‌آموزی به سبک شریف

بیاورند. حداقل از این دانشگاه خیالتان جمع باشد. دکتر محمود فتوحی هم در مصاحبه‌ای با خبرگزاری صداوسیما بیان کرده: «دغدغه کار برای دانشجویان و دانش‌آموختگان واقعی است و در این دانشگاه تلاش کردیم مهارت‌های لازم را علاوه بر مسائل درسی به دانشجویان آموزش دهیم». البته بنده در زمینه مهارت‌های لازم برای کار نه اطلاع و نه سر رشته‌ای دارم ولی حداقل مهارت‌های «زندگی در شرایط سخت با ساس‌ها»، «چگونه خفت نشویم» و «پخت غذاهای ترکیبی نوین در جمعه‌ها» را در این چندسال یاد گرفتم که مطمئن هستم برایم در آینده کاربردی خواهد بود.

دکتر شریعتی نیاسر، معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در چهارمین همایش ملی آموزش عالی گفته است: «دانشگاه‌های برتر کشور مأموریتی بالاتر از آموزش متداول دارند و آن پرورش مدیرانی توانمند برای ورود به جامعه است». جناب آقای دکتر! بنده پس از چهار سال درس خواندن در این دانشگاه این نوید را به شما می‌دهم که حداقل دانشگاه شریف در این مسأله بسیار قوی عمل کرده و کاری کرده تعداد کثیری از مهندسان، چهارگوشه میدان «مهندسی» را بوسیده و به سمت مدیریت روی

سخن مسئولین

رضا علیپور

مرکزی مستند تالان را همراه با پتل تخصصی پیرامون آب‌های زیرزمینی و فرونشست زمین اکران می‌کند. هم‌قامت قله‌ها

یادواره شهید محسن وزوایی از ساعت ۱۳:۳۰ در آمفی تئاتر مرکزی با حضور خانواده و جمعی از هم‌زمان شهید از سوی کنگره شهدای دانشگاه برگزار می‌شود.

شریف نیوز

در دومین جشنواره صبا چه گذشت؟

سازهایتان کوکِ کوک!



طهرانیان، سخنران این روز بود و درباره کلمه «ویرتوئوز» مطالبی را ارائه کرد. اجرای دونوازی ویولن و پیانو از آریان امیری‌فر، دانشجوی ورودی ۹۶ مهندسی شیمی و پارسا جویان، اجرای برگزیده هیأت داوران و کوارتت زهی نوسکا که گروهی خارج دانشگاه آن را اجرا کردند، اجرای برگزیده مردمی لقب گرفت.

روز سنتی

در دوره‌های گذشته، بزرگ‌ترین چالش در روز سنتی صداپردازی و تست صدا بود که باعث ایجاد تاخیرهای طولانی در برنامه جشنواره می‌شد. در این دوره با توجه به دعوت از تیم صداپردازی حرفه‌ای این مشکلات تا حد زیادی کاهش یافت و برنامه بدون تاخیر آغاز شد. سخنران این روز زکریا یوسفی بود و ارائه‌ای پیرامون ارزش‌های برگزاری چنین رویدادهایی در دانشگاه داشت. اجرای گروه دیار از خارج دانشگاه، اجرای برگزیده هیأت داوران و اجرای برگزیده مردمی شد. نکته جالب روز سنتی ابتکار داوران بود که بعد از اتمام اجرای هر گروه، مشابه با مسابقه‌های خوانندگی در شبکه‌های تلویزیونی داخلی و خارجی به‌صورت رودررو مستقیم به شرکت‌کننده‌ها توضیحات و نظرات موردنظرشان را منتقل می‌کردند.

روز ملل

روز ملل به‌عنوان روز آخر جشنواره بدون تاخیر آغاز شد و نظم نسبی خوبی هم داشت. حاشیه‌های مهم آن عدم حضور داوران و تغییر مجری بعد از ۴ سال بود. گروه کواکس به سرپرستی شایان هاشمی، دانشجوی صنایع ۹۳ عنوان اجرای برگزیده مردمی در این روز را به خود اختصاص داد.

کانون موسیقی شریف سال‌هاست که رسالت خودش را معرفی موسیقی فاخر و غیرمبتذل تعریف کرده و در راستای آن فعالیت می‌کند. فستیوال موسیقی شریف هم عنوان رویدادی است که از حدود ۱۰ سال پیش، از طرف این کانون در دانشگاه برگزار می‌شود که در دو دوره اخیر نام جشنواره صبا برای آن انتخاب شده است. هدف این جشنواره علاوه بر رسالت اصلی کانون، ایجاد فرصتی برای دانشجویهای هنرمند و با استعداد شریفی است تا بتوانند هنر خود را به نمایش بگذارند. برخی از هنرمندان و گروه‌هایی که در این جشنواره حاضر بوده‌اند، در سال‌های بعد برای خودشان جایی در بازار موسیقی ایران پیدا کرده و حتی به انتشار آلبوم هم رسیده‌اند. تفاوت عمده جشنواره‌های صبا با فستیوال موسیقی شریف، حضور استادان مطرح موسیقی کشور به‌عنوان داور و سخنران است. شریف امسال میزبان فرزین طهرانیان، مهسا خونی و لیلا بازغی در روز موسیقی کلاسیک و زکریا یوسفی، سینا جهان‌آبادی، پاشا هنجنی و پوریا اخوای در روز موسیقی سنتی بود. همچنین از فرزین طهرانیان و مسعود همایونی برای روز موسیقی ملل دعوت شده بود که نتوانستند در برنامه حضور پیدا کنند. جشنواره صبا امسال ۲۶ تا ۲۸ فروردین در آمفی تئاتر مرکزی برگزار و سازهای شریفی‌ها کوکِ کوک بود.

گزارش

عماد خالقی‌پناه

روز کلاسیک

این روز جشنواره، همیشه روز شریفی‌ها بوده و بیشتر اجراها از داخل دانشگاه است. روز کلاسیک معمولاً کمترین حاشیه را دارد و بدون مشکل و بی‌نظمی خاصی برگزار می‌شود. فرزین

شریف نیوز

شنبه

روحانیت در بحران

انجمن اسلامی امروز از ساعت ۱۶:۳۰ در سالن کهریای دانشکده برق تأثیر انقلاب اسلامی بر جایگاه روحانیون را با حضور حجج اسلام احمد منتظری، ناصر نقویان، مهدی ابوطالبی و محمدرضا باقرزاده بررسی می‌کند.

پیام‌آورد

مراسم اختتامیه رقابت‌های نوآورانه پیام‌رسانی با نام پیام‌آورد امروز از ساعت ۱۰ تا ۱۲ با حضور نمایندگان پیام‌رسان‌های ایرانی و دکتر سهراب‌پور و دکتر جلیلی در آمفی تئاتر مرکزی برگزار می‌شود.

جنگ چهره زنانه ندارد

وضعیت زنان جانباز بعد از جنگ تحمیلی موضوع برنامه‌ای است که از ساعت ۱۶:۳۰ در دفتر انجمن اسلامی با حضور جانباز سرافراز، دکتر نسیم چنگایی و دکتر مهدی ایزدی برگزار می‌شود.

ربع قرن با محور

انجمن علمی محور امروز از ساعت ۱۷ در سالن جابر بیست و پنج سالگی خود را جشن می‌گیرد.

گردهمایی فارغ التحصیلان

پیرامون بلاای طبیعی

«نهادسازی برای مشارکت در رفع بحران‌های اجتماعی و بلایی طبیعی» موضوع گردهمایی انجمن فارغ التحصیلان شریف است که امروز از ۱۷ تا ۲۰ در ساختمان انجمن برگزار می‌گردد.

مسابقه آمادگی جسمانی

امروز از ساعت ۱۲ مسابقه آمادگی جسمانی پسران با آیت‌های متنوع در سالن جباری برگزار می‌شود. برای ثبت‌نام تا قبل از شروع مسابقه باید به آقای خدامرادی در ساختمان شماره ۱ مدیریت تربیت بدنی مراجعه کنید.

یکشنبه

مستند تالان

انجمن دوستداران محیط زیست از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۹:۳۰ در آمفی تئاتر

ترین‌ها

«به عقب باز نمی‌گردیم» ترین

سه‌شنبه هفته گذشته برای بار سوم شریف زیبا شد. اگر در این روز یک‌بار از بالا تا پایین دانشگاه قدم می‌زدید، احتمالاً با اتفاقات زیادی روبه‌رو می‌شدید و ممکن بود حتی در خیابان اصلی، استاد راهنمایتان دوان دوان از کنارتان رد شود؛ اما در شریف زیبایی من امسال یکی از برنامه‌ها افت شدیدی داشت. فوتبال دستی انسانی در دوره پیش با تجهیزات زیادی برگزار و از یک سازه بادی مخصوص برای این کار استفاده شد، اما امسال این برنامه به کمک چند قطعه طلق و استفاده از طناب به عنوان میله برقرار بود. به دلیل همین تغییرات ما عنوان «به عقب باز نمی‌گردیم» ترین را به این برنامه اهدا می‌کنیم.



«خوش مزاج» ترین

دوشنبه هفته گذشته انجمن اسلامی دانشجویان ساعت ۱۶:۳۰ از چهار استاد سرشناس دانشگاه دعوت کرده بود تا در جلسه‌ای با عنوان «نگاهی از درون» درباره دغدغه‌ها و نگرانی‌های پیرامون دانشگاه بحث کنند. این با استقبال بسیار کم دانشجویان برگزار شد، اما کمی قبل از این برنامه در ساعت ۱۵ جامعه اسلامی مستند «انقلاب جنسی ۳» را اکران کرد و در عین شگفتی متوجه شدیم که دانشجویان زیادی در این جلسه حاضر شدند. به نظر می‌رسد که دانشجویان «خوش مزاج» ما دغدغه‌های جنسی را با اشتیاق دنبال می‌کنند اما برای دغدغه مهمی به نام دانشگاه کسی وقت کافی ندارد.



ماه رمضان در پیش است

ستون «هفتاد سال عبادت» در این چند هفته که ماه رمضان خواهد بود، قرار است کمی حال و هوای ما را از روزمرگی به عالم بندگی ببرد. منتظر بازخوردها و چالش های مرتبط با این بخش هستیم. اگر یک ساعت تفکر کنید، ستون کار خودش را کرده است.

ماهی که لحظه های سترگش جایی برای سخن گفتن از دیگر ایام باقی نمی گذارد و روزهای پیش از آن را به فراموشی می نهد. دانه ای که این ماه در سرزمین حاصل خیز دل انسان ها می کارد، خوب روییده و ریشه گرفته، شاخ و برگ بسیاری پیدا کرده و از میوه های آن اندیشمندان، فیلسوفان، عارفان، سیاستمداران، هنرمندان و پارسیان بهره ها می گیرند. همه چیز به یکباره در این ماه تغییر می کند و تحول عظیمی در جهان آفرینش هویدا می گردد، تا جایی که هرآنچه در پیش بود در مقیاس بعد، هیچ است و هیچ. در این ماه شایسته است رویکرد انسان تغییر کرده و بیش از گذشته به یاد محبوب خویش باشد. هزار و اندی سال پیش اندیشمندی در کتابش، سخن از سختی غیبت امام زمان (عج) به میان آورد. او بارها می گفت قرار است امامی بیاید که سرنوشت او با دو غیبت رقم خواهد خورد که دومی شدیدتر از اولی است. به راستی منظور «نویختی» از شدت غیبت امام چه بود؟ شاید او از اینکه امام در میان مردم زندگی کند، دیده شود ولی شناخته نشود، افسوس می خورد.

امام زمان (عج) در میان ما زندگی می کند، در کوچه ها و بازارها دیده می شود ولی ما او را نمی شناسیم. شدت غیبت احتمالا بدین معنی است که او که قبله گاه عالمیان است، امروز در کنار ما روزگار سپری می کند، بدون اینکه کسی او را بشناسد، حرمت او را حفظ کند و به یاد او باشد، حتی گاهی دوستانش هم کمتر از او سخن می گویند و به یاد او هستند. چه خوب است که در آستانه ماه مبارک رمضان پیوند عمیق تری با امام حاضر خویش برقرار کنیم: «اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه»، این همان دعای افتتاحی است که روزه دار در دل شب در فراق محبوبش به درگاه حق شکوه کرده و در فراق ولیّ خویش ناله سر می دهد. در واقع انسانی در جست وجوی انسان دیگری برآمده و به شوق دولت کریمه ی او اشک بر دامن می ریزد. برای «انسان» گرد هم آمده ایم.



بودن هزینه فرصت آموزش و مدرک گرایی این روند را شدت می بخشد. همچنین فرجادی انگیزه مهاجرت را در رابطه مستقیم با بیکاری عنوان کرد.

هم علم و هم راه حل در خود دانشگاه است

دکتر ابوالقاسم نادری علت و چاره مشکلات دانشگاه ها را در درون خودشان دانست و علاوه بر کمبود شدید منابع مالی، تنوع کم منابع، ناپایداری منابع و نابرابری و نبود عدالت در توزیع منابع را از جمله مشکلات موجود بیان کرد. نادری بیشتر صحبت هایش را به ناکارآمدی و بهره روری پایین فعالیت های دانشگاهی اختصاص داد و علت آن را برون زابودن منابع مالی (بودجه دولتی) و نبود ظرفیت انسانی – سازمانی عنوان کرد.

دکتر محمد وصال به موضوع کیفیت خروجی های دانشگاهی و عدم توسعه کیفی با وجود توسعه کمی آموزش عالی پرداخت و در بیان علت توسعه کمی آموزش عالی به موضوع مدرک گرایی برای اثبات توانایی و بها دادن دولت به آموزش عالی به عنوان ضربه گیر بازار کار و برای ایجاد فرصت برابر و توسعه سرمایه انسانی و تربیت کارشناس اشاره کرد. وصال وابسته نمودن منافع دانشگاه ها به بازار کار، تغییر حمایت دولت از بودجه به وام تحصیلی برای پرداخت شهری، ایجاد بانک اطلاعاتی از بازار کار و اصلاح کنکور را از جمله راهکارهای اصلاحی عنوان کرد.

دکتر علینقی مشایخی نیز در صحبت هایش از کیفیت پایین دانشجویهای تحصیلات تکمیلی گلهمند بود که خود باعث کاهش کیفیت آموزش در نسل های بعدی می شود. مشایخی ضمن اشاره به مشکلات مالی دولت و در اولویت نبودن مسأله دانشگاه برای دولت از لزوم استقلال مالی دانشگاه و خوداتکایی آن گفت و اعتقاد داشت باید شرایط اقتصادی و علمی جامعه به گونه ای باشد که بتوانیم دانشجویهای خودمان در دیگر کشورهای دنیا را برگردانیم تا از منابع دنیا برای رشد خودمان استفاده کنیم.

بررسی مسیر آینده آموزش عالی کشور در شریف

دانشگاه باید دانشگاه باشد

اشتغال پذیری فارغ التحصیلان اختصاص داد و اشتغال پذیری را مجموعه ای از ویژگی های مهارتی، دانشی و فردی معرفی کرد که در دانشگاه های ما فقط به قسمت دانشی آن پرداخته شده است. به گفته نادری سرعت تغییرات در جهان علم و کار آندقر سریع است که نصف دانشی که دانشجو در سال اول فرامی گیرد، تا زمان فارغ التحصیلی منقضی می شود: «سه بخش مهم در اشتغال ورزی، کارآموزی، کارورزی و کاربایی است. دانشگاه های مطرح دنیا برای افزایش اشتغال پذیری دانش آموختگانشان برنامه هایی از قبیل دوره های آموزشی مهارت ها، جلسات شبیه ساز مصاحبه شغلی، نمایشگاه کار، سمینارهای استخدامی، دوره های کوآپ، بازدید از صنایع، کار در سایه و... برگزار می کنند. ما مخالف کارآموزی در دانشگاه هستیم، چرا که دانشجو باید وارد صنعت شده و با فضا و محیط آنجا آشنا شود».

فوق برنامه مهم تر از برنامه

دکتر حسن طائی به اهمیت فوق برنامه در موضوع اشتغال پذیری پرداخت. او در ابتدای صحبت هایش سیاست کشور در زمینه کارآفرینی را کنترل ورودی دانشگاه ها دانست تا از این طریق خروجی ها تا حد امکان مستعد و توانمند باشند. طائی در ادامه با اشاره به طرح درس در دانشگاه ها از اهمیت و تأثیر کارهای فوق برنامه در آینده کاری دانشجویها گفت: «اکثر مواقع، همین بخش است که در آینده به کار دانشجو خواهد آمد ولی دانشگاه ما به برنامه های فوق برنامه اهمیت نمی دهد. کلوپ های دانشجویی، انجمن های علمی، فعالیت های داوطلبانه و خدمت رسان، برنامه های فرهنگی، دوره های کارآفرینی و استارتاپی و... چیزهایی هستند که دانشجو بیشتر مهارت هایش را در آن یاد می گیرد».

سرمایه گذاری در آموزش اثرات بلندمدت دارد

اقتصاد آموزش عالی در دانشگاه جامعه محور موضوع پنلی بود که در آمفی تئاتر دانشکده انرژی و با ریاست دکتر مشایخی برگزار می شد. دکتر مصطفی عمادزاده صحبت هایش را به اهمیت سرمایه گذاری در آموزش عالی اختصاص داد و اعتقاد داشت اگر چه این سرمایه گذاری سود و محصول محسوسی در کوتاه مدت ندارد ولی در بلندمدت اندیشه و باور افراد را تحت تأثیر قرار می دهد.

دکتر غلامعلی فرجادی بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی را به عنوان یک چالش اقتصادی موضوع صحبت های خود قرار داد و عدم پیوند مناسب میان ساختار آموزشی و نیاز بازار را از جمله عوامل این بحران دانست. به گفته فرجادی بیکاری فارغ التحصیلان آنها را به ادامه تحصیل در مقطع بالاتر ترغیب می کند و پایین

دوشنبه هفته گذشته شریف میزبان مهمانان سرشناسی بود که برای حضور در چهارمین همایش ملی آموزش عالی جمع شده بودند. مراسم افتتاحیه در سالن جباری بیشتر به صحبت های کلی و کلیشه ای گذشت ولی در شش پنل تخصصی که در دو نوبت صبح و بعد از ظهر برگزار شد، حرف های جدی و مهمی در خود داشت که می تواند مسیر آینده آموزش عالی در ایران را مشخص کند.

همه لازم نیست Q۱ شوند

پنل مهارت افزایی و اشتغال پذیری دانش آموختگان در سالن خوارزمی دانشکده کامپیوتر برگزار بود. در این پنل دکتر مهدی کشمیری در صحبت هایش به این مسأله انتقاد کرد که تعریف ما از دانشگاه در تعداد هیأت علمی و دانشکده و دانشجو و نهایتا تعداد مقاله خلاصه می شود، در حالی که MIT خودش را با تعداد شرکت هایی که تأسیس کرده و درآمدی که از آنها به دست آورده معرفی می کند. او توسعه اجتماعی، کارآفرینی و تولید درآمد را در کنار توسعه علمی لازم دانست و از بی توجهی به آنها گلهمند بود.

دکتر محمدرضا زالی به بحث آموزش کارآفرینی در دانشگاه ها پرداخت و اعتقاد داشت که این آموزش سطح تفکر دانشجویها را ارتقا می دهد. زالی اولین قدم برای رسیدن به کارآفرینی را قصد کارآفرینانه معرفی کرد و گفت با وجود کاهش این شاخص نسبت به سال گذشته، باز هم ایران از جمله کشورهای نخست در این شاخص است. همچنین او با اشاره به ویزای استارت آپی که برخی کشورها مثل فرانسه به دانشجویهای ایرانی می دهند، این تهدید را جدی دانست و از توجه به سرمایه های انسانی کشور در این حوزه گفت.

مهندس مجید دهبیدی پور مشکلات کاربایی شریفی ها را سردرگمی، بی هدفی، عدم تناسب میان شغل و شاغل و عدم شناخت استعدادها و علایق دانست و از مسئولیت دانشگاه ها در قبال دانش آموختگانشان گفت که این مسئولیت شامل آموزش کاربایی و مهارت و همچنین مرتبط کردن آنها با صنعت و فضای کار می شود. دهبیدی پور اعتقاد داشت که ۷۵ درصد موفقیت شغلی افراد به مهارت های ارتباطی آنها بستگی دارد و این مهارت در کلاس های درس آموزش داده نمی شود و مدرسه اشتغال شریف هم بر اساس همین هدف و در سه بخش خودشناسی، مهارت آموزی و کارآموزی تأسیس شده است. او در آخر بیان کرد که اکثر افرادی که وارد مدرسه اشتغال شده اند، جذب بازار کار شده و بیشتر آنها نیز بعد از گذشت سه سال در کار خود باقی مانده اند.

کارآموزی در دانشگاه بی معناست

دکتر مالک نادری صحبت هایش را به برنامه

ذره بین

دانشگاه مبدأ تحولات است؛ حتی در محیط زیست

دانشگاه ها اشاره می کند: کاهش حجم زباله، ایجاد استاندارد برای پسماندهای آزمایشگاهی، گنجاندن بندهای محیط زیستی در قراردادهای دانشگاه با پیمانکاران، دیجیتال سازی، استفاده از گیاهان کم آب بر، بازسازی سیستم های سرمایشی و گرمایشی و حتی ایجاد استانداردهای محیط زیستی در حوزه تغذیه از جمله مواردی است که در این راستا می تواند پیگیری شود.

سطح دوم، تربیت شهروند حساس به محیط زیست را از دانشگاه می خواهد؛ شهروندی که خصوصیات محیط زیست و ارتباط عوامل مختلف آن را درک کند تا بتواند بهترین کنش را برگزیند. البته این کار نیاز به ایجاد برنامه ای مدون از ثبت نام تا فارغ التحصیلی دارد.

سطح سوم، تحقیقات و نوآوری های دانشگاهی را به

حفظ محیط زیست جهت دهی می کند تا پایان نامه ها و پروژه های تحقیقاتی به این سمت حرکت کنند. **سطح چهارم** به توسعه مشارکت محیط زیست گرایانه استادان ارتباط دارد؛ برای اینکار باید برنامه های تشویقی برای فعالان این حوزه در نظر گرفت، فعالیت مشترک بین دانشگاه و سمن ها را افزایش داد و برای این مشارکت، امتیازاتی در نظر گرفت.

سطح پنجم نیز تلاش برای عمومی کردن دانش مرتبط با این حوزه است. این سطح نیاز به استنادانی دارد که بتوانند در یک روزنامه عمومی، سرمقاله بنویسند، دانشگاه ها باید نشان دهند که به عمومی کردن دانش اهمیت می دهند. دانشگاه ها می توانند شروع خیلی از تغییرها در سطح جامعه باشند.

سومین شریف زیبای من چگونه گذشت؟

روزهای عجیب امروز، روزهای عادی آینده

سه‌شنبه گذشته معاونت فرهنگی دانشگاه به همراه گروهی از دانشجویان و گروه‌های دانشجویی برای سومین سال متوالی به صورت نمادین به یادآوری کرد که دانشگاه صنعتی شریف در همسایگی میدان آزادی «خوش آب و هوا» و در دل محله «امن» طرشت و در «ترافیگ سنگین» امتحان‌های میان‌ترم، چقدر می‌تواند زیبا باشد. شریف زیبای من، امسال نیز در یک سه‌شنبه دل‌انگیز اردیبهشتی، زیر سایه ابرهای نمناک (نه گریان) بهاری با برنامه‌های متنوع از صبح تا شب (!) برگزار شد.

گزارش



گفت‌وگو با مرد همه‌کاره شریف زیبای من ۳

یک روز زیبا با کمتر از ۱۰ میلیون

ورودی ۹۵ شیمی است. در دو سال گذشته در برنامه‌های استقبال از خانواده‌های ورودی‌ها کشف شد و در کسوت یکی از فعالان فرهنگی توانمند در امور اجرایی شناخته شد. آری صقری، مسئول اجرایی سومین شریف زیبای من به سؤالات روزنامه درباره این برنامه پاسخ می‌دهد.

چه اهدافی برای برنامه تعریف شده بود و فکر می‌کنی چقدر توانستی به آنها نزدیک شوی؟
مهم‌ترین هدف جشنواره یعنی زیباسازی دانشگاه با اجرای برنامه گل‌کاری و سه‌شنبه بدون خودرو که با استقبال خوبی همراه بودند، تا حد زیادی تحقق یافت. هدف دیگر برنامه ایجاد فضایی مفرح و شاد برای دانشجویان پرتلاش شریفی بود تا شاید این روز تأثیری مثبت در روحیه آنها داشته باشد. برای این منظور برنامه‌های متنوعی با همکاری گروه‌های مختلف برگزار شد که فکر می‌کنم مخاطبان برنامه‌ها را شاد و خوشحال کرد. دو هدف دیگر که سعی در اجرای آنها داشتیم، برگرفته از جلسه‌های فعالان فرهنگی دانشگاه در زیباکنار بود؛ بهبود رابطه استاد و دانشجو و برپایی مهدکودک در دانشگاه. حدود چهل نفر از استادان نهار را همراه دانشجوها، یا داخل سلف و یا در محیط فراهم‌شده در برنامه «مهبان» صرف کردند که می‌توانست بهتر هم باشد؛ امیدوارم در آینده در این زمینه بیشتر کار شود. برنامه مهدکودک هم بدون مشکل برگزار شد که موفقیت آن با تصمیم دانشگاه به احداث مهدکودک مشخص می‌شود.

استادان همکاری کردند؟ تعداد ماشین‌ها در دانشگاه چقدر کم شد؟
تعداد زیادی از استادها همکاری کردند که باعث شد مشکلی در حفظ محدوده بدون ماشین در محوطه اصلی دانشگاه نداشته باشیم. البته جاپارک‌های موجود کاملاً پر شد و عده‌ای بدون جا ماندند که نشان می‌دهد باید تلاش بیشتری در جلب نظر استادان و خصوصاً کارمندان صورت گیرد.

چه گروه‌هایی کمک کردند؟
کانون موسیقی، کانون شعر و ادب، کانون هنرهای تجسمی، کانون عکس، کانون سینما، کانون آیین روشن، انجمن محیط زیست، انجمن اسلامی دانشجویان، روزنامه شریف، کانون هیمااران و

عدم تحویل مورد سفارشی ما (سازه بادی)، درخواست خسارت کرده‌ایم.

سال اول شریف زیبای من مقدمه‌ای شد برای آنکه بسیاری از مسیرهای پیاده‌روی دانشگاه از خودرو پاک شود. سال دوم شریف زیبای من تقریباً محصولی نداشت. محصول امسال برای دانشگاه چه خواهد بود؟

محصول آن در آینده مشخص می‌شود، اما انتظار داریم خیابانی دیگر در دانشگاه آزاد شود، مهد کودک شریف تأسیس شود و قدمی هر چند کوچک در جهت بهبود ارتباط استاد و دانشجو برداشته شود.

عده‌ای معتقدند این برنامه برای معاونت فرهنگی است و دانشجویی نیست. آیا معاونت فرهنگی در محتوا و نوع اجرای برنامه‌ها دخالت هم کرد؟

معاونت فرهنگی به دلایلی دو برنامه فرود گروه کوه از ساختمان ابن سینا و مسابقه گل‌کوچک را حذف کرد و بازار چه اقوام را به برنامه اضافه کرد که ما موافق آن نبودیم. حدود ۱۵ برنامه دیگری که اجرا شد و فعالیت‌های انجام‌شده تماماً به تصمیم گروه ما (تیم شریف زیبای من) و دیگر گروه‌های دانشجویی بود.

کاغذ باطله‌های برنامه را دادید شریف اشغال؟
متأسفانه این ایده مطرح نشد، اما حجم زباله کاغذی به‌شدت کم بود. تنها در برنامه دیوار نقاشی و مهدکودک از کاغذ استفاده شد.

تیم اجرایی ما ۳۵ نفر بود که علاوه بر آنها تعداد زیادی از بچه‌های گروه‌های مختلف دانشجویی هم به ما کمک کردند.

کدام کارها را اگر برگردی حتماً انجام می‌دهی و کدام کارها را اصلاً انجام نمی‌دهی؟
اگر برگردم حتماً برنامه‌ای بهتر برای جلب نظر کارمندان دانشگاه در نظر می‌گیرم. از هیچ‌کدام از کارهای انجام‌شده پشیمان نیستم.

می‌گویند دانشگاه را تبدیل کرده‌اید به شهر بازی. برنامه‌هایی که برگزار شد چقدر با حالت عادی دانشگاه سنخیت داشت؟

بازی‌های در نظر گرفته‌شده برای شادسازی فضای دانشگاه بود و من اعتقاد دارم دانشگاه باید به همه جنبه‌های زندگی دانشجویان توجه کند، یعنی تعدادی بازی در یک روز ماهیت دانشگاه را تغییر نمی‌دهد و حتی تأثیرات مثبتی بر آن می‌گذارد. البته سعی شده بود با تنوع برنامه‌ها، رضایت سلیقه‌های مختلف جلب شود.

بهترین و بدترین برنامه از نظرت کدام بودند؟ چرا؟

انتخاب بهترین برنامه سخت است، اما فعالیت و جنب‌وجوش استادان و کارمندان و دانشجویان در کنار هم در مسابقه دو، به نظر از همه زیباتر بود. برنامه فوتبال دستی انسانی نیز به‌دلیل سازه آهنی نامناسب تهیه‌شده ضعیف بود. البته از شرکت مربوطه به علت

مناسب می‌توان عملکردی عالی را به جای گذاشت.

جای قهرمان و نایب‌قهرمان عوض شد

مسابقه گروه دانشجویان نیز با حدود ۳۰ شرکت‌کننده برگزار شد. البته حدود ۵۰ نفر شرت به دانشجویان داده شد ولی ظاهراً ۲۰ نفر نتوانستند با موفقیت خود را از رختکن به خط شروع مسابقه برسانند!

امسال امین سلیمی (مهندسی شیمی و گارد رأس تیم بسکتبال دانشگاه) توانست در رقابتی نزدیک از زانیار ابراهیمی (مواد و از کوهنوردهای حرفه‌ای دانشگاه) در لحظات آخر پیشی بگیرد و جای قهرمان و نایب‌قهرمان پارسال را عوض کند. در این رقابت عمادالدین فتحی (مهندسی دریا) سوم شد.

اول افتخاری معرفی شد. در گروه استادان که لباس سبز پوشیده بودند دکتر افشین بنارزاده (استاد هوافضا و مدیر تربیت بدنی دانشگاه) مقام اول، دکتر وحید تقی‌خانی (استاد مهندسی شیمی و نفت) مقام دوم و دکتر محمدعلی کوچه‌زاده (استاد هوافضا) مقام سوم را کسب کردند. قهرمان گروه کارمندان با لباس بادمجانی، آقای اکبر همت‌پور (انتظامات) شد و محمد امینی (کتابخانه مرکزی) و سیامک خادمی (پردیس بین‌الملل) به مقام دوم و سوم رسیدند. البته چیزی که تشویق همه را به دنبال داشت، حضور پیشکسوتانی چون دکتر باقرزاده از دانشکده شیمی، دکتر بهزاد از دانشکده مکانیک و آقای اسدزاده از کتابخانه مرکزی بود که نشان دادند سن فقط یک عدد است و با تعمیر و نگهداری

یکی از برنامه‌های ثابت شریف زیبای من، دوی همگانی است که به همت مدیریت تربیت بدنی، در ساعت غیراداری ظهر برگزار می‌شود تا استادان و کارمندان هم بتوانند در آن شرکت کنند. امسال نیز این مسابقات در دو دسته و سه گروه رده‌بندی برگزار شد. مسیر مسابقه از جلوی سالن مرحوم جباری به سمت مسجد، خیابان پژوهش، سردر آزادی و سربالایی از سردر تا پشت تالارها تا جلوی خود جباری و در دو دور بود.

همیشه یک استاد اول می‌شود

دسته اول شامل دو گروه استادان و کارمندان با حدود ۳۰ شرکت‌کننده مسابقه دادند. نفر اول دکتر حمید نجارزادگان، دانشجویی پسادکتر است اما به‌عنوان نفر



یک نیمه استقامت شاد



دیوار آرزوها، شمال ساختمان مرکز معارف و علوم انسانی



فوتبال دارتی بین تالارها و ابن سینا



نقاشی آرزوها



کاشت گل - شرق جکوز



دانشگاه چگونه صاحب مهد کودک شد؟

خیالت راحت مادر

برنامه مهد با ورزش صبحگاهی شروع شد. پس از آن صبحانه، نقاشی دیواری، دانشمند کوچولو، بازی موزیکال، قصه‌گویی و بازی آزاد را داشتیم. سپس کودکان به همراه والدین خود برای صرف نهار به فضای بیرون سالن رفتند که شاید برای بسیاری از کودکان یکی از معدود روزهای کاری بود که می‌توانستند در کنار خانواده نهار را صرف کنند. در ادامه از خانواده‌ها دعوت شد تا از دیگر برنامه‌های شریف زیادی من دیدن کنند. برنامه‌های بعد از ظهر هم شامل آموزش اورینگامی، کاردستی با وسایل دور ریختنی و پخش کارتون بود و در آخر با اهدای هدیه به بچه‌ها مهد کودک یک‌روزه شریف به پایان رسید.

علاوه بر استقبال خانواده‌ها دانشجویان زیادی هم از این طرح استقبال کردند و با دیدن بچه‌ها در دانشگاه ذوق می‌کردند و دوست داشتند برای بازی با کودکان در مهد حضور پیدا کنند، اما امکان حضور آنها وجود نداشت و به دلیل راحتی کودکان مجبور بودیم مانع حضور آنها شویم.

مکان مناسب، مشکل تکراری برنامه‌های دانشگاه

ترجیح تیم ما بر آن بود که برنامه در سالن ورزشی دانشگاه برگزار شود تا کاملاً برای بازی کودکان ایمن باشد، اما چون یکی از اهداف این برنامه دیده شدن نیاز وجود مهد کودک در دانشگاه بود، همکف ساختمان شهید رضایی به مهد کودک اختصاص داده شد. همچنین با توجه به درگیری کادر معاونت فرهنگی در فرایند آماده‌سازی سالن جباری برای کنسرت نتوانستند در فضای سالن مهد کودک به ما کمک کنند و بیشتر انرژی تیم صرف آماده‌سازی همکف ساختمان شهید رضایی شد که تا حدودی روی کیفیت دیگر قسمت‌های برنامه اثر منفی داشت. البته دکتر بنارزاده، رئیس مرکز تربیت بدنی و مسئولان امور اجرایی فرهنگی در فراهم کردن امکانات بسیار همدل بودند. همچنین انجمن علمی دانشکده فیزیک و گروه دستداران محیط زیست دانشگاه امکانات گروه خود و فضای اتاق گروه را در اختیار تیم ما قرار دادند. سخت بود اما ما توانستیم از عهده انجامش برآییم؛ مثل یک مرد، مثل یک زن و مثل یک تیم واقعی!

برنامه مهد با ورزش صبحگاهی شروع شد. پس از آن صبحانه، نقاشی دیواری، دانشمند کوچولو، بازی موزیکال، قصه‌گویی و بازی آزاد را داشتیم. سپس کودکان به همراه والدین خود برای صرف نهار به فضای بیرون سالن رفتند که شاید برای بسیاری از کودکان یکی از معدود روزهای کاری بود که می‌توانستند در کنار خانواده نهار را صرف کنند. در ادامه از خانواده‌ها دعوت شد تا از دیگر برنامه‌های شریف زیادی من دیدن کنند. برنامه‌های بعد از ظهر هم شامل آموزش اورینگامی، کاردستی با وسایل دور ریختنی و پخش کارتون بود و در آخر با اهدای هدیه به بچه‌ها مهد کودک یک‌روزه شریف به پایان رسید.

بالاخره یک روز با خیال راحت در دانشگاه درس خواندم

کار با کودکان بسیار لذت‌بخش و البته سخت و حساس بود اما با وجود مربی و دوستان مان این فضا به خوبی کنترل شد و باز خوردهای خوبی هم گرفتیم. یکی از مادران در پایان برنامه گفت: «بالاخره یک روز با خیال راحت در دانشگاه درس خواندم» و این جمله تمام خستگی، استرس و بی‌خوابی‌های سه هفته گذشته‌مان را برطرف کرد. از مشکلات و سختی‌های کار هم می‌توان به کم‌بودن تعداد افراد همکار با ما، نبود امکانات مناسب کودکان در دانشگاه و حساس بودن کار با آنها اشاره کرد. از دیگر سختی‌هایی که بر روحیه تیم اثر منفی داشت، باز خوردهای منفی دانشجویان و استادان پیش از برگزاری رویداد بود. بسیاری از افراد درکی از دلیل اجرای این طرح نداشتند و معتقد بودند که دانشگاه متعلق به دانشجو است نه کودک. البته تیم ما اعتقاد داشت دانشگاه متعلق به همه اعضای آن از جمله دانشجو، کارمند و استاد‌های مادر هم هست و آنان حق دارند با آرامش به تحصیل و کار خود در دانشگاه ادامه دهند.

در جامعه ما عموماً نگرهداری از کودک بر عهده مادر است و تفکرات سنتی بر این باورند که «مادر» باید از فرزند خود نگرهداری کند. بسیاری از مادران، پس از به دنیا آمدن فرزندشان مجبور به ترک شغل یا محل تحصیل خود می‌شوند تا بتوانند از کودک خود مراقبت کنند حال آنکه یکی از حقوق زنان این است که امکانات و تسهیلاتی فراهم شود که آنان را در نگرهداری از کودکان یاری دهد تا بتوانند با آرامش خاطر سایر بخش‌های زندگی‌شان، به خصوص زندگی حرفه‌ای خود را ادامه دهند. نبود این تسهیلات بر پیشرفت زنان جامعه در زندگی حرفه‌ای تأثیر منفی می‌گذارد. طبق بررسی‌های کارگروه زنان که در «اردوی زیباکنار» نتیجه تحقیقات‌شان را ارائه دادند، نیاز به وجود مهد کودک در دانشگاه به وضوح حس می‌شود. هر روز کودکانی را در سطح دانشگاه می‌بینیم که از پایان زمان مدرسه تا پایان زمان کاری والدین‌شان در سطح دانشگاه مشغول بازی هستند و یا مادرانی که در نمازخانه‌ها، مسجد و سایر اماکن دانشگاه نوزادشان را نگه می‌دارند. کسانی هم که فرزندشان در مهد کودکی دور از دانشگاه نگرهداری می‌شود، نمی‌توانند در طول روز وضعیت فرزندشان را کنترل کنند یا به آنها سر بزنند. از این رو در راستای تلاش برای احقاق حقوق زنان دانشگاه من و امیرمحمد کریم‌نژاد که در درس «کارآفرینی» با یکدیگر آشنا شدیم، تصمیم گرفتیم قدمی برای حل این کمبود برداریم و «شریف» را زیباتر سازیم.

خط‌شکنی به نفع مادران شریفی

در ابتدا طرح با آراین صقری، مسئول برگزاری برنامه شریف زیبایی من ۳ مطرح شد. او پس از بررسی و ارائه طرح به مسئولان فرهنگی دانشگاه اعلام کرد که آنها از این پیشنهاد استقبال می‌کنند و مایلند این برنامه برگزار شود.

به افتخار و به نفع سیل‌زده‌ها



طبق آنچه روی بلیت نوشته بود قرار بود از ساعت ۱۷ تا ۱۹ باشد، ولی پیامکی از طرف کانون موسیقی ارسال شد که در آن گفته شده بود از ساعت ۱۷:۳۰ در سالن حضور داشته باشید که مراسم از ساعت ۱۸ شروع می‌شود. با وجود این تغییرات، اولین قطعه با تاخیر بسیار زیاد در ساعت ۱۹:۳۰ اجرا شد. دو بخش وسط پر شده بود ولی ردیف‌های آخر دو بخش کنار نسبتاً خالی مانده بود. تعداد قابل توجهی هم روی سکوها نشسته بودند. حدود ساعت ۱۸:۲۰ سرود ملی نواخته شد و پس از آن پوریا عطاران به عنوان مجری برنامه به حضار خوشامد گفت. در ادامه کلیپ خبریه فردای سبز پخش شد و شهرام ناظری ساعت ۱۸:۳۰ وارد سالن شد. پس از آن کلیپ جمعیت امام علی پخش شد. حدود چهار نوازنده قبل از اجرای اصلی تمرین کردند و به همین بهانه حاضران را با خود همراه کردند. ساعت ۱۹:۱۵ دقیقه گروه که شامل ده نفر بودند روی سن آمدند و پس از آنها ناظری با تشویق جمعیت به گروه پیوست. ناظری در ابتدای حرف‌های خود گفت که همه درآمد حاصله را به سیل‌زدگان اهدا کرده است. ۱۰ آهنگ اجرا شد و در ترانه‌های آخر شهرام ناظری خود شروع به نواختن سه‌تار کرد و آخرین قطعه را هم به زبان کردی خواند. از نکات جالب این اجرا، متوقف کردن کنسرت هنگام اذان به مدت ۵ دقیقه بود تا افرادی که می‌خواهند، نمازشان را بخوانند.

چقدر با هم فرق می‌کردید

یک دانشجوی سال اولی از دانشگاه و فضایش چه می‌داند؟ هیچی. حالا چکار باید بکند؟ باز هم هیچی. چون کار خاصی از دستش برنمی‌آید. این‌طور مواقع نیاز به کسی است که فضای دانشگاه را بشناسد، ترس‌های دوران دانشجویی را بداند و بلد باشد این ملغمه را مدیریت کند. چه کسی بهتر از یکی از استادان؟ کسی که خودش هم این دوران را گذرانده و راهش را بلد است. کسی که بهش می‌گوییم «استاد راهنما».

اینکه کدام استاد، بشود استاد راهنمای شما، کاملاً به بخت و اقبالتان بستگی دارد. در این زمینه، من یکی از خوش اقبال‌ترین‌ها بودم. استاد راهنمای من، یکی از خوش اخلاق‌ترین استادان دانشکده فیزیک بود: دکتر امید اخوان؛ یکی از استادهایی که واقعا درک می‌کند دوران کارشناسی آن هم در شریف چقدر می‌تواند سخت باشد و بابتش سرزنش نمی‌کند. کسی که همیشه لبخند می‌زند و آرامشش، تو را هم آرام می‌کند. باعث می‌شود ترست از اینکه توانایی در حد و اندازه بقیه «شریفی» باشی، بریزد و بیشتر تلاش کنی. از دست غرغره‌ایت خسته نمی‌شود، در حالی که گاهی خودت خسته می‌شوی! هیچ‌وقت نگران امضانشدن فرم برای انتخاب واحد نبودم، چون زمان‌های مناسب به اندازه کافی بود که دانشجویها بتوانند خودشان را برسانند. دکتر اخوان جزو معدود خاطرات خوب من از دانشگاه بود. از ته دل می‌گویم: خدایا به سلامت دارش.

استاد بد:

استاد بد نداریم، داریم؟ آخر کسی که می‌آید عمرش را برای آموزش به جوانان مملکت می‌گذارد که نمی‌تواند بد باشد، می‌تواند؟ بله، در یک صورت؛ اینکه نداند چقدر کارش و جایگاهش مهم و تأثیرگذار است. اینکه نداند دانشجویها هم «آدم» هستند. اینکه بهشان اهمیت ندهد و درکشان نکند. اینکه راحت بگوید: «این مشکل من نیست که شما باید سر کار بری. اصلاً این چندرغاز حقوقی که گفתי ارزش اینکه این کلاسو از دست بدی داره؟» اینکه شما را سر کلاس سرزنش کند و بگوید: «چطور اینا رو نمی‌دونی؟ اینا مال دبیرستانه.» و منظورش از دبیرستان، مدرسه‌های چندمیلیونی است که بقیه ۹۹.۹ درصد کلاس رفته‌اند و تونرفته‌ای. این خاطرات بد را برای تو می‌گذارد، با دردی که شاید تا آخر عمر با تو بماند.

دورچین

سحر بختیاری

یادداشت

زهراتلافی

تقریباً تمامی دوستانی که مرا از راهنمایی و دبیرستان می‌شناسند، می‌دانند که همیشه دوست داشتم معلم شوم و فارغ از رشته تحصیلی عزم راسخی بر انجام این کار داشتم. رابطه‌ام با معلم‌هایم خوب بود و در کل برای من معلم جایگاه خاص و ویژه‌ای داشت. خاطرم هست دبیرستانی بودم و روز معلم به یکی از دوستانم گفتم: می‌رسد روزی که به من هم این روز را تبریک می‌گویند و قول بده آن روز برای من گل بخری و ببآوری دم در مدرسه‌ای که در آن کار می‌کنم.

قرعه فال به نام من دیوانه زدند

سه سال قبل یکی از دوستان دوران راهنمایی و دبیرستانم با من تماس گرفت و در خواستی مبنی بر حضور یک‌روزه‌ام به عنوان معلم در مجموعه تازه تأسیس‌شان مطرح کرد. معلم ثابت‌شان مشکلی داشت و نمی‌توانست حضور پیدا کند و او به عنوان یک گزینه محتمل به یاد من افتاده بود. بدون معطلی پذیرفتم. پنجشنبه یک روز تابستانی تیپ معلم‌گونه‌ای زدم و به مدرسه رفتم. به‌شدت مضطرب بودم، طوری که وقتی رفتم سر کلاس صدای تپش قلبم را می‌شنیدم و صدایم به‌شدت می‌لرزید.

«سلام؛ خواهش می‌کنم بفرمایید بنشینید».

«بسم … الرحمن الرحیم» را گوشه سمت راست تخته نوشتم و زیرش خط کشیدم.

«من زهرا طائفی هستم. هر سوالی هر چند خصوصی دارید، من در خدمتم.»

همه به هم نگاه می‌کردند. سکوت بدی حاکم بود. حس کردم تازه از سفینه فضایی‌ام پیاده شده‌ام. صدایم را صاف کردم و گفتم: «خودم همیشه دوست داشتم بعضی مسائل خصوصی زندگی معلم‌هایم را بدانم؛ به همین خاطر با کمال میل پاسخگو هستم.» لبخندی ملیح بر لب‌شان نشست که نشان می‌داد آدم فضایی بودنم را تأیید کرده‌اند! یکی گفت: «خانم! واقعا پرسیسم جواب می‌دهید؟ مثلاً بگویید تاریخ تولدتان چه زمانی است؟» بعد از جواب دادن، کم‌کم یخشان باز شد و تا تعداد دایی و عمه هم پیش رفتند و تمامی معلم‌هایم را شناختند و کروکی خانه‌مان را که کشیدم، خیالشان راحت شد. آنها دقیقاً در مدرسه‌ای درس می‌خواندند که من از آن فارغ‌التحصیل شده بودم. آن روز شروع فصل جدیدی در زندگی من بود که سال‌ها منتظرش بودم. فردای آن روز با من تماس گرفتند که معلم‌شان چند ماهی نیست و در صورت تمایل می‌توانم به جای او در کلاس‌ها حاضر شوم. بدون فوت وقت پذیرفتم. از آن روز تا الان تجربه‌های نابی داشته‌ام که شاید هیچ‌وقت نمونه‌هایش را در هیچ کجای این عالم پیدا نکنم.

شما گذشته من هستیدا

اسم تک‌تک شاگردانم را یاد گرفتم و به جای فامیلی آنها را به اسم کوچک صدا می‌زدم. تاریخ تولدشان را می‌پرسیدم و در آن هفته بهشان تبریک می‌گفتم و با بچه‌ها مجبورشان می‌کردیم بهمان شیرینی بدهند. سوال‌های آزمون‌شان را یک‌به‌یک خودم طرح می‌کردم. هر کسی آزمونش را صددرصد می‌زد، از من کتاب هدیه می‌گرفت. دستانم به گچ حساسیت نشان می‌داد، به همین دلیل برایم دورشان کاغذ می‌پیچیدند.

خاطرم هست بعد از آزمون اولی که از شاگردانم گرفتم و درصدهای پایین‌شان را دیدم، بعد از چند دقیقه صحبت در باب فواید درس خواندن، با گفتن جمله «فدای سرتان» به بحث خاتمه دادم. این اتفاق بارها افتاد تا یک روز یکی از دانش‌آموزهایم گفت: «این جمله‌ای که می‌گویید باعث عذاب وجدان ما می‌شود و باعث می‌شود بیشتر درستان را بخوانیم».

روز تولدم را جشن گرفتند و نرم‌افزار یاد گرفته بودند تا برایم کلیپ درست کنند. وقتی از من خواستند حسم را

روایتی از تجربه‌های شیرین

اعتراف‌های یک معلم

درس دادن، پای تخته ایستادن، خاک تخته را خوردن، گچ به دست گرفتن، چیزی راده بار برای یک نفر توضیح دادن و لذت تأثیر داشتن در رشد و پیشرفت آدم‌های دیگر از جمله تجربه‌های شیرینی است که معلم‌ها درک می‌کنند؛ هر چه سن شاگردها هم کمتر باشد، حلاوت این لذت بیشتر و اشک‌ها و لبخندهای خاطره‌انگیز آن نیز عمیق‌تر خواهد بود. دل‌نوشته‌ای که می‌خوانید حاصل تجربیات سه سال حضور یک دانشجو در موسسه‌ای است که آخر هفته‌ها به بهانه تعلیم و تربیت، دانش‌آموزان را از مدارس مختلف دور هم جمع می‌کند.



فاطمه روز معلم با یک شاخه گل می‌آید. خانم من تا به حال برای هیچ کدام از معلم‌هایم گل نخریده‌ام. این مال شما است. تا گل را می‌گیرم، می‌دود و می‌رود. مهدیه می‌گوید بعضی سوال‌های آزمون سخت است. چندتابی را یاد دادم بدون حل کردن پاسخ دهند. اسم این سوالات را گذاشته‌ایم شعوری که نیاز به یاد گرفتن آنها نداریم و فقط برای پاسخ دادن به آنها باید کمی فکر کنیم.

آرزوهای بزرگ

یک‌بار نزدیک شب آرزوها خواستم آرزوهایشان را برایم بنویسند. تاکید کردم دنیا به جز درس و مدرسه قشنگی‌های دیگری هم دارد، از آنها هم لطفا بنویسند. ساجده نوشته بود آرزو می‌کنم ریاضی و فیزیک خودشان x هایشان را حل کنند، ما xهای خودمان را حل کنیم شاهکار کرده ایم. هانیه گفت: «مگر آرزوهای ما برای کسی اهمیت دارد؟» پاسخ دادم اگر اهمیت نداشت از شما نمی‌خواستم بنویسید، پس مهم است. بعد از آن شروع کرد و در یک برگه بزرگ از آرزوی «آدم مایه افتخار مامان بابا شدن» تا خرید ماشین مورد علاقه‌اش را نوشت. یک‌روز رفتم سر کلاس و دیدم بچه‌ها سر حال نیستند. «خانم می‌شود کمی غر بنیم؟»؛ «بله، چرا نشود؟» کتاب را بستم و نشستم تا هر کدام غرهایشان را بزنند و سبک شوند. آنجا بود که فهمیدم چقدر اعمال و گفتار معلم‌ها برایشان اهمیت دارد.

زنگ‌های تفریح از کنارم تکان نمی‌خورند تا برایشان از دنیای بزرگ‌شدن بگویم و من هر بار از حسرت‌هایم برای روزهای نوجوانی می‌گویم. روزی که فهمیدم چند هفته‌ای درگیر پیدا کردن آی‌دی من بوده‌اند با ناراحتی گفتم: «خب از خودم می‌پرسیدید». آی‌دی را پای تخته نوشتم. از آن روز کلی پروفایل‌هایم را تحلیل می‌کردند و کلی مسخره! اما هیچ‌وقت باعث آزارم نشدند. روز تولدم در سال سوم حضورم، غافلگیرم کردند. آن روز حال چندان مساعدی نداشتم. اتوسا گفت: «خانم چشمان‌تان از خوشحالی برق نمی‌زند. نکند خوشحال نشده‌اید». جا خوردم، مگر می‌شود این چنین حال مرا از چشمانم بخوانند؟ تا خواستم شمع‌ها را فوت کنم، خواستند آرزو کنم، خدا را بابت داشتن‌شان شکر کردم، ناگهان خودشان آرزو کردند تا ابد معلم‌شان بمانم و شمع‌هایم را فوت کردند.

من واقعا خوشبختم که دانش‌آموزانم را دارم. تصمیم گرفته بودم با آنها هر سال به پایه بالاتر بروم. الان با هم سه سال بزرگ شده‌ایم. قشنگ نیست؟

درباره آنها بیان کنم، نمی‌دانستم دقیقاً باید چه جمله‌ای در وصف علاقه‌ام به آنها بگویم. گفتم: «می‌دانید؛ شما گذشته من هستید. چیزهایی را که دوست داشتم به من در آن زمان بگویند، به شما می‌گویم تا آینده بهتری از من داشته باشید.»

همه فرزندان من

مریم، یکی از شاگردانم، در آزمون ورودی مدارس خاص پذیرفته نشده بود. با چشمان گریان آمد و گفت مگر شما نگفته بودید اگر آدم تلاش کند، به هدفش می‌رسد، پس چرا نشد؟ هول شدم. نمی‌دانستم چگونه به او بگویم اتفاقات این دنیا و کارهای ما بزرگ‌ترها لزوماً از قواعدی که می‌گوییم تبعیت نمی‌کند. در آغوشش گرفتم: «بین مریم جان! خدا آدم‌ها را دقیقاً در جایی که باید باشند قرار می‌دهد. نگران نباش. تلاش‌ت را بکن، قاعده‌های خدا حتماً درست است.» چند ماه بعد معلوم شد کارنامه‌اش را درست تصحیح نکرده بودند و اعلام کردند که قبول شده است. «خدایا ممنون که آبروی ما را خریدی!»

معصومه خیلی باهوش است. هزار و پانصد بار به او گفته‌ام سر کلاس‌هی به بقیه نگو این سوال‌ها چقدر آسان است و شما خنگ هستید، کمی متواضع باش. کیمیای کلاس ما خوب شعر می‌گوید. عاشق ادبیات است اما به اجبار خانواده ریاضی فیزیک می‌خواند. خواستم شعرهایش را سر کلاس برای ما بخواند. انصافاً هم عالی شعر می‌گوید. فاطمه‌مان عاشق هنر بود، با کلی جدل خانواده‌اش را راضی کردیم از سر کلاس‌های ریاضی و فیزیک و شیمی بلند شود و برود سر کلاس‌های مورد علاقه‌اش بنشیند. زهرا برای هر فصل کتاب درسی شعر می‌گوید. چند روزی است با دوستش قهر کرده، چند باری در این باره پرسیده‌ام، طفره می‌رود، ذهنم درگیرش است. مهشید هی از زهرا می‌گوید. گفتم بعد کلاس بی‌ا پیش من. «حسودی نکن بچه». گفت: «آخه خانم می‌گوید درس نخوانده‌ام ولی مثل چی خوانده است». جوابش را اینگونه می‌دهم که از زمان حضرت آدم تا الان این مسخره‌بازی هست. با هم می‌رویم سر کلاس و قانون وضع می‌کنیم که بند اول آن این است که کسی حق پرسیدن نمره بقیه را ندارد. بند دوم بیان می‌کند کسی از دیگری نمی‌پرسد چقدر درس خوانده و هر هفته چک می‌کنیم چند نفر به آن عمل کرده‌اند. «تا به حال دیده بودید به همین راحتی مشکل حل شود؟»

بیرون کلاس و دانشگاه کاملا غریبه‌ایم

با رفقاییمان در خارج از کشور که صحبت می‌کنیم اکثرشان از ارتباط خوبشان با استادانشان، خصوصا استاد راهنماییشان برایمان صحبت می‌کنند. بسیاری از آنها با استادانشان رفت‌وآمد خانوادگی دارند، با هم به طبیعت‌گردی می‌روند و با هم درباره مسائل مختلف غیردرسی صحبت می‌کنند. دو سوال در این خصوص از دانشجویان پرسیدیم.

سوال اول این بود که دانشجویان چقدر تا به حال با استادان خود صحبت‌های غیر درسی کرده‌اند؟ ۵۸ درصد دانشجویان با استادان دانشکده خود، ۶۸ درصد با استاد راهنمای خود و ۷۶ درصد با استادان بیرون دانشکده خود حرف غیردرسی زده‌اند. در این میان دانشکده مهندسی صنایع بدترین وضعیت را دارد و قریب به ۹۰ درصد از بچه‌های صنایع با استادان خود اصلا حرف غیردرسی زده‌اند! در این میان دانشکده‌های فیزیک، شیمی و فلسفه علم بهترین وضعیت را دارند و کسانی که اصلا با استادای صحبت غیردرسی نکرده‌اند در اقلیت هستند و بیشتر دانشجویانی که با استادی به صحبت نشستند و حس خوبی پس از مصاحبت با استاد داشته‌اند.

سوال دوم این بود که «با چند استاد تا به حال بیرون رفته‌اید؟» پاسخ کوبنده و قاطع بود: ۷۹ درصد دانشجویان تا به حال با هیچ استادی بیرون از دانشگاه معاشرت نکردند. بدترین وضعیت را در این میان دانشکده صنایع با ۹۷ درصد و دانشکده مواد با ۸۷ درصد پاسخ منفی داشتند و بهترین وضعیت را دانشکده‌های مکانیک و انرژی.

آسانسور ویژه استادان

فاصله بین استاد و دانشجویکی از نقل‌های رایج محافل دانشجویی است که از نظرسنجی کانال روزنامه شریف این طور به نظر می‌رسد که این برداشت عمومی بیراه نیست. البته دانشجویان هم گاهی نشان داده‌اند که همین دوری و صلح را ترجیح می‌دهند. اما دانشگاه تا امروز برای برداشتن این فاصله‌ها چه کرده است؟ در دانشگاهی که در اکثر ساختمان‌های آن سرویس بهداشتی استادان از دانشجویان جداست، محل و کیفیت تغذیه متفاوت است و در برخی از ساختمان‌هایش حتی آسانسور ویژه استادان هست یا فقط در طبقه آنها می‌ایستد، آیا می‌توانیم منتظر تحقق یک تعامل دوست‌داشتنی و رضایت حداکثری از رابطه استاد و دانشجو باشیم؟

دانشجویان درباره استادان چه می‌گویند؟

ویژه استادان

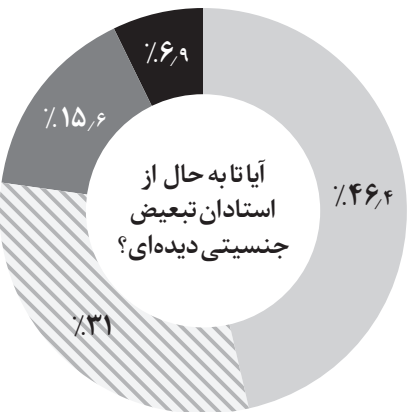
گزارش

به مناسبت روز استاد تصمیم گرفتیم به جای گل و شیرینی، یک بازخورد از نظرات مخاطبان کانال تلگرام روزنامه شریف به استادان هدیه دهیم. لذا طبق معمول پرسشنامه‌ای الکترونیک طراحی کردیم و از سه‌شنبه شب روی کانال گذاشتیم. در نظر داشتیم که اگر تعداد شرکت‌کنندگان به ۳۰۰ نفر رسید آن را منتشر کنیم اما تا پنجشنبه صبح فقط ۶۵ نفر آن را پر کرده بودند! خیلی حالمان گرفته بود؛ پس با ناامیدی ناله‌ای در فضای مجازی کردیم که به طور عجیبی لیبیک مخاطبان را در پی داشت و ما را مجبور کرد صفحه هزارقلم آماده‌شده توسط هاتف محقق را حذف و گزارش نظرسنجی را کار کنیم.

کارشناسی ارشد از همه بهتر، و در دوره کارشناسی از همه بدتر است. در این سوال، بین جواب پسرها و دخترها تفاوت معناداری وجود نداشت.

تبعیض جنسیتی عمومیت ندارد

یکی از شبهاتی که بین دانشجویان خیلی مرسوم است، تبعیض قائل شدن استادان بین جنسیت‌های مختلف است. نتایج نصف‌نصف است. تعداد کسانی که احساس تبعیض کرده‌اند و کسانی که اصلا حس نکرده‌اند تقریبا برابر است. در میان دانشکده‌ها بیش از ۷۰ درصد پسران مهندسی شیمی و هوافضا احساس کرده‌اند استادان هوای دختران را بیشتر دارند و برعکس در دانشکده برق، بیش از ۶۰ درصد دختران احساس می‌کنند استادانشان هوای پسرها را بیشتر دارند. بهترین وضعیت را گروه فلسفه علم و دانشکده کامپیوتر دارند که بیش از ۷۰ درصد دانشجویان گفته‌اند که تبعیض جنسیتی احساس نمی‌کنند.



نه! تبعیض کجا بود؟
 پسر بودم، دختر را رو بیشتر دوست داشت
 دختر بودم، پسر را رو بیشتر دوست داشت
 تبعیض دیدم ولی به نفعم بود

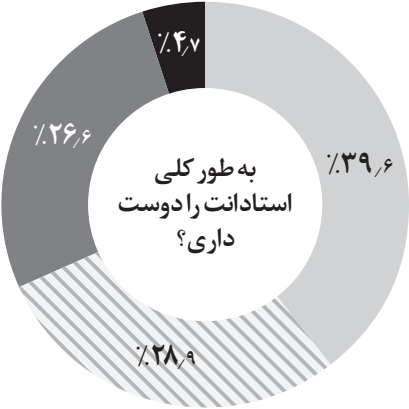
عمدی در کار نیست

کلا پشت سر استادان زیاد حرف می‌زنیم؛ این از ویژگی‌های دانشجویی و استادی است! بارها نیز گفته‌ایم فلان استاد مثلا (بیخشد) عقده‌ای است و از قصد دانشجویان را اذیت می‌کند. معمولا چنین عبارات سنگینی هر چقدر هم کم باشند، در ذهن

پرسشنامه روز استاد را ۴۸۷ نفر از مخاطبان کانال روزنامه شریف (مستقیم یا با واسطه) پر کردند. بیشترین مشارکت را دانشکده صنایع با ۷۱ نفر دانشجو داشته است و پس از آن دانشکده‌های مهندسی شیمی و نفت با ۶۱، ریاضی و علوم کامپیوتر با ۶۰ و فیزیک و مواد با ۴۷ نفر شرکت‌کننده قرار گرفتند. کمترین مشارکت را هم دانشکده‌ها (گروه‌ها)یی که فقط تحصیلات تکمیلی دارند، داشته‌اند؛ یعنی مدیریت و اقتصاد، انرژی و فلسفه علم.

یکدیگر را بیشتر دوست داشته باشید

سوال اول این بود: «آیا به‌طور کلی استادان خود را دوست دارید؟ آنها چطور؟». ۴۰ درصد دانشجویان گفته‌اند که نه خودشان به استادان علاقه‌ای دارند و نه حس می‌کنند استادانشان به آنها علاقه‌مندند. بدترین اوضاع را از این نظر بچه‌های مهندسی شیمی، مهندسی نفت، مواد و صنایع دارند که بیش از ۵۰ درصدشان گفته‌اند «دوست نداریم همو». در این میان حال بچه‌های فلسفه علم، فیزیک، هوافضا، مکانیک، انرژی و کامپیوتر از همه بهتر است و بیش از ۴۰ درصد گفته‌اند که علاقه‌ای دوطرفه بین خود و استادانشان حس می‌کنند. بیشترین کمبود محبت را هم بچه‌های برق دارند که ۳۹ درصدشان استادان خود را دوست دارند ولی احساس می‌کنند استادان دوستشان ندارند. وضعیت ارتباط بین استاد و دانشجو در مقطع



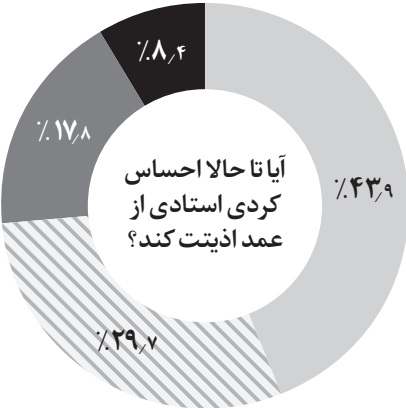
دوست نداریم همو
 دوستشون دارم ولی دوستم ندارن
 دوستم دارن ولی دوستشون ندارم

مخاطبان خاص

در بخشی از نظرسنجی از دانشجویان خواهش کردیم نامه‌ای کوتاه به مناسبت روز استاد به یکی از استادانشان بنویسند. تعداد نامه‌ها خیلی زیاد بود و موارد منفی هم در آنها چشمگیر بود ولی برای اینکه حالمان خوب شود، در این قسمت سعی می‌کنیم تعداد کمی از نامه‌های حال خوب‌کن را بگذاریم.

- آسون‌تر از موقعیه که آدم خودش یه محبث رومی خونه!
- تو کل ۴ سال تحصیلی که داشتم هیچ‌وقت از هیچ استادی خوشم نیومد، به‌جز دکتر وفا، احساس می‌کنم به معنای واقعی کلمه انسان هستن، رفتار خوبی دارن و تا حد خوبی منطقی هستن.
- خانم دکتر خاچاطوریان، شما از همه استادان دانشکده مواد مسلمان‌تر هستید!
- سلام دکتر رئیسی. اینکه شما پیگیر وضعیت درسی و تا حدودی روحی دانشجویانتان هستید و یادگیری آنها چنین برایتان اهمیت دارد واقعا تحسین‌برانگیز است. درس برداشتن با شما تاثیرات خوبی در روند تحصیل من داشته. بسیار سپاسگزارم.

افراد می‌مانند. از بچه‌ها پرسیدیم آیا تا به حال احساس کرده‌اند که از قصد مورد اذیت استادان قرار گرفته‌اند؟ ۴۴ درصد دانشجویان دانشگاه معتقدند که هرگز استادی از عمد آنها را اذیت نکرده است و فقط ۸ درصد گفته‌اند که دائم مورد اذیت قرار می‌گیرند. در این میان دانشجویان دکترا بیشترین آزار را از استادان دیده‌اند.



نه هرگز
 چند بار ولی عمومیت نداشته است
 فقط یک بار
 خیلی اذیتم کرده‌اند (کرده است)

هنوز هم زیادند

از دانشجویان پرسیدیم آیا دوست دارید استاد شوید؟ پاسخ عدد بزرگی بود. حدود ۴۷ درصد از دانشجویان گفته‌اند که دوست دارند در آینده استاد شوند؛ یعنی ۲۲۰ نفر! جالب است این عدد هر چند اکثریت نیست، ولی نشان می‌دهد که در ذهن بسیاری از دانشجویان گزینه استاد شدن پررنگ است. نکته جالب دیگر پاسخ ۲۹ درصد از دانشجویان است که گفته‌اند پیش از دانشگاه دوست داشتند در آینده استاد شوند ولی بعد از دانشگاه نظرشان عوض شده. از این میان ۱۸ درصد دلیل تصمیمشان را عدم تطبیق شخصیتشان با کسوت استادی اعلام کردند، ۲۰ درصد گفته‌اند شرایط استادان خوب نیست، ۲۰ درصد گفته‌اند نمی‌خواهند شبیه هیچ‌یک از استادانشان شوند و ۴۲ درصد گفته‌اند گزینه‌های جذاب‌تری پیش روی خود دیده‌اند.

- امیدوارم همین‌گونه به کارشان ادامه دهند و دانشگاه از وجود ایشان و افرادی با ویژگی‌های مشابه بهره‌مند شود.
- چندتا استاد واقعی تو دانشگاه هست که من با معدودی ازشون برخورد داشتم و یکی از بهتریناشون استاد ابوالحسنی هستن. استاد واقعی ایشون و این روزو باید به ایشون و امثال ایشون تبریک گفت. همینجوری بمان، نذار استادای دیگه عوض کن.
- به‌دکتر کسری‌علیشاهی: بابت معرفی کتاب‌های خوب ممنونم! دغدغه مسئولیت اجتماعی شما رو بسیار دوست می‌دارم! به دکتر بهمن‌آبادی: بابت چیزایی که بهم یاد دادید، ممنونم! سر کلاس شما همه‌چی

- دکتر آهنچی! یه کلاس شما بود و یه دوشنبه‌ها... برای من ترم پیش خیلی دوشنبه‌ها روزای سخت و اذیت‌کننده‌ای بود و همیشه این کلاس شما بود که وسط اون همه کلاس و دویدن، من روزنده نگه می‌داشت... همیشه انقدر خوب بمونید.
- خطاب به دکتر ارغوانی باید بگم از اینکه براشون اهمیت داره بچه‌ها درسی با محتوای مناسب جهت ورود به کارآفرینی و شرایط بازار بگذرونن و چنین درسی رو تدوین و ارائه کردن سپاسگزارم.
- میخواهم از «دکتر علیرضا فیض‌بخش» تشکر ویژه کنم بابت همه زحماتشان و همه روابط خوبی که با دانشجوها دارند و انگیزه‌ای که به آنها می‌دهند.

شیر ایرانی تکه

وصله پینه



محمد حسین هوانی

شیر ایرانی پس از ۸۰ سال به ایران بازگشت. جفتِ نر این گونه جانوری ارزشمند از باغ وحش بریستول انگلستان وارد گمرک

فرودگاه امام (ره) شد و پس از پنج ساعت تشریفات گمرکی، به باغ وحش محل زندگی جدیدش منتقل شد. جفت ماده این شیر، طی هفته آینده از باغ وحش دوبلین ایرلند وارد کشور خواهد شد و مسئولین باغ وحش ارم امیدوارند با تکثیر این جانور بتوانند قدم موثری در حفظ نسل آن بردارند.

/ ایسنا

ضمن تبریک نخستین موفقیت دستگاه دیپلماسی ایران در دولت دوازدهم به آقای ظریف و تیم‌شان لازم دیدیم به نکات و سوالاتی که به نظر می‌رسد اشاره‌ای بکنیم.

نکته اول. با یک جست‌وجوی ساده متوجه می‌شوید که یک شیر ساده تا ۱۴ سال بیشتر عمر نمی‌کند و این عدد برای شیرهای پرچرب تا هفت سال نیز گزارش شده است. این یعنی شیر ایرانی مذکور، احتمالاً از نسل نهم شیرهای ایرانی مهاجر به انگلستان است و بهتر است به آن شیر انگلیسی بگوییم.

نکته دوم. این چه جفتی است که در دوبلین زندگی می‌کند؟ به نظر می‌رسد که این دو شیر در طلاق عاطفی به سر می‌برند و بعید است خیال مسئولان باغ وحش در مورد این دو شیر تعبیر شود. لذا کرده‌اند توی پاچه‌شان، شدید!

نکته سوم. در متن خبر آمده که باغ وحش ارم عضو اتحادیه باغ وحش‌های اروپا است. به نظر می‌آید از این پس برای باغ وحش هم باید ویزای شنگن تهیه کنید!

نکته چهارم. تشریفات گمرک فرودگاه امام؟! می‌گویند یکی از خبرنگاران در فرودگاه امام از شیر پرسیده که «از بازگشت به ایران چه حسی دارید؟» و شیر در پاسخ گفته: چرا من؟ چرا اینجا؟

نکته پنجم. آیا در باغ وحش به این شیرها، گوشت حلال می‌دهند یا چون عادت کرده‌اند مجبورند گوشت غیر حلال بدهند؟

نکته ششم. وقتی سلبریتی‌های وطنی، می‌روند آن طرف آب که بچه‌های خود را به دنیا بیاورند، آیا درست است که این شیر بی‌گناه را مجبور کنیم اینجا بچه‌دار شود؟ اصلاً آیا در این مملکت بستر مناسبی برای تولید مثل وجود دارد؟

نکته هفتم. آیا می‌دانستید از آنجایی که این شیر، دوتابعیتی است، نمی‌تواند در ایران سلطان جنگل شود؟

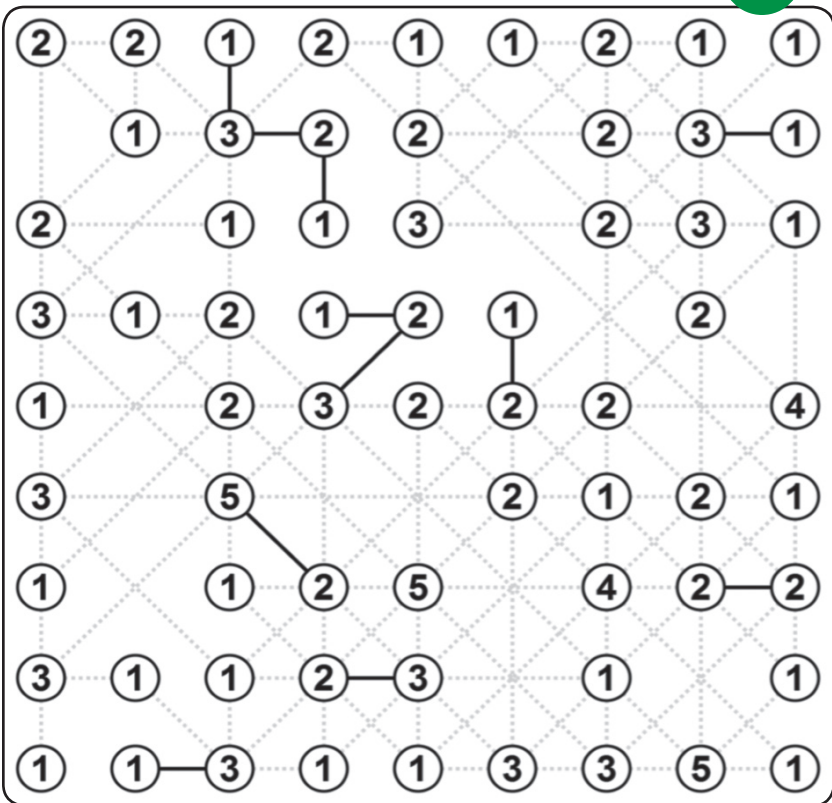
تقدیم می‌شود به ...

این شماره از روزنامه تقدیم می‌شود به همه خاک گچ‌هایی که پای تخته خورده می‌شود و همه سرفه‌های بعد از آن، به همه دست‌هایی که به گچ حساسیت دارند و آخر هر کلاس گچی گچی هستند، به همه در اتاق‌هایی که همیشه و بدون وقت قبلی به روی شاگرد باز است؛ تقدیم می‌شود به همه استادهایی که مرام و معرفت‌شان بیشتر از سابقه تحصیلی

خب تعداد حل ارسال شده برای پیچک (۳) کم بود ولی از شماره دو ساده‌تر بود. ما قصد داریم از تلف شدن وقت کسانی که نمی‌فهمند سر کلاس چه می‌گذرد و بعد از چند جلسه سر کلاس رفتند جلوگیری کنیم.

کوشا معاونی نژاد یکی از فارغ التحصیلان قدیمی شریف است که بیشتر برای تفریح پازل طراحی می‌کند. ما اسم آن را «پیچک» گذاشتیم. چرا؟ چون شاخه‌شاخه است و همه جای آن به هم وصل است. قوانین این بازی ساده است. شما باید همه جزیره (دایره) ها را با استفاده از پل (خط)‌هایی که بین آنها رسم می‌کنید، به هم متصل نمایید. البته پل‌ها باید شرایط زیر را داشته باشند:

- پل‌ها نباید یکدیگر را قطع کنند.
- پل‌ها می‌توانند عمودی، افقی و یا ۴۵ درجه باشند.
- حداکثر یک پل می‌تواند دو جزیره را به هم متصل کند.
- تعداد پل‌هایی که به هر جزیره وصل می‌شود باید با شماره آن جزیره برابر باشد.
- اتصال جزیره‌ها از طریق پل‌ها باید یک گراف همبند تشکیل دهد.
- چند پل در شکل اولیه داده شده‌اند. شما باید بقیه پل‌ها را پیدا کنید.



پیچک
(۴)

استاد
شریف
ما ...

وارد شود را با ولتاژ و جریان و مدار الکتریکی مدل می‌کند.

• دانشجوی شریف ما معترض بود که چرا میان‌ترم آسان بوده چون عقیده داشت وقتی میان‌ترم ساده باشد، میانگین بالا می‌شود و نمودار نمی‌خورد و نمی‌تواند شود.

• دانشجوی شریف ما بر این عقیده است که شریفی بودن یک مکتب فکری است و هر کسی که در شریف درس می‌خواند، الزاماً شریفی نیست. به نظر ما هم هر کسی که تا به حال در قسمت دانشجوی شریف ما نبوده، شریفی نیست.

• استاد شریف ما می‌گوید بهترین راه برای انتخاب رهبر یک جامعه، تعیینش به دست رهبر قبلی است.

سوالات را تحویل بدهد. کسانی که دنبال نمونه سوال بودند، وقتی از او پرسیدند که از سوالات عکس گرفته یا نه، گفت: «نه؛ چون نمی‌خواستم اگر استاد پرسید از سوال‌ها عکس گرفتی، دروغ بگویم».

• دانشجوی شریف ما فکر می‌کند تقلب کردن در امتحان کار درستی است چون نمره گرفتن حق دانشجو است.

• استاد شریف ما یک پروژه تعریف کرد و گفت امتیازی است. یک ماه بعد نظرش تغییر کرد و گفت اگر پروژه را تحویل ندهید می‌اندام‌تان.

• دانشجوی شریف ما فشاری که در یک خانواده به بچه‌ها می‌آید و فشار مضاعفی که ممکن است به تک‌فرزنها

• استاد شریف ما سر کلاس گفت بزرگ‌ترین اشتباه زندگی‌اش درس خواندن و آمدن به دانشگاه شریف بوده. در عوض دوست دارد یک ماشین شاسی‌بلند داشته باشد و بزند به هر کسی که بد رانندگی می‌کند.

• دانشجوی شریف ما حل المسائل یکی از درس‌ها را در نمازخانه دانشکده گذاشته و چندین سال است که خیلی از دانشجویهای دانشکده از آن استفاده می‌کنند و بعد از استفاده هم سر جایش می‌گذارند تا بقیه بتوانند از آن استفاده کنند.

• دانشجوی شریف ما حتی بعد از اینکه در امتحان نمره کامل می‌گیرد، به امتحان و نمره‌اش اعتراض می‌کند.

• دانشجوی شریف ما بعد از امتحان یادش رفته بود برگه

خیلی بیش از اینها دستشویی لازمه!

۰۹۳۶۰۰۰۰۰۸۴۵:۰۰ (۲/۱) سلام

نه تنها جایزه نداشتید بلکه خودبازی‌رم برداشتید

چ خوب

روزنامه سلام. ببین این سری دیگه پیامک دومت رو که ادامه اینه نمی‌دارم، بلکه یادگیری گزیده‌تر و متناسب با

شماره پیامک روزنامه: ۰۹۰۰۶۶۱۶۶۰۰۶

امکانات سخن بگی!

۰۹۱۲۰۰۰۰۰۸۴۰:۰۰ این روزها وقتی حرف از امنیت می‌زنیم

شاعر زودتر از مسئولان میگه: بشنو که سزاوار سکوت است

سوالت

روزنامه مشکل اینه که این بار اگر اصرار کنی وای به حالت!